

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

KIAN



دانشگاه پشاور و بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

## ساخت هنری شعر شهریار

استاد راهنما:

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ

استاد مشاور:

دکتر محمدبارانی

تحقیق و نگارش:

طاهره بهرامی

۱۳۸۸/۲/۱۶

مجلس استادیات مدرسه علمی بزم  
شهریار

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

تیر ۱۳۸۸

۱۲۱۸۸۲



### بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان ساخت هنری شعر شهریار قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ... زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو طاهره بهرامی تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر مریم خلیلی جهانتیغ تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

طاهره بهرامی

این پایان نامه ... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ... توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی ... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: دکتر مریم خلیلی جهانتیغ		۸۸، ۴، ۱۰
استاد مشاور: دکتر محمد بارانی		۸۸، ۴، ۱۰
داور ۱: دکتر عبدالعلی اویسی		۸۸، ۴، ۱۰
داور ۲: دکتر محمود عباسی		۸۸، ۴، ۱۰
نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر عباسعلی آهنگر		۸۸، ۴، ۱۰



دانشگاه ایلام و بلوچستان

## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب طاهره بهرامی تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: طاهره بهرامی

امضاء

## سپاسگزاری

سپاس بیکران یکتای بی همتا را آن که در لحظه لحظه های زندگی یار  
و مددکار من بوده، یاور همیشگی که لطف بیکران او پیوسته شامل حال من بوده  
و من از سپاس الطافش قاصرم .

و بعد از آن ارج می نهم زحمات بیکران استادان بزرگوارم سرکارخانم دکتر  
خلیلی و آقای دکتر بارانی را که راهنمایی و مشاوره این رساله را برعهده  
داشتند . همچنین تشکر می کنم از خانواده ام که مشوق من بودند و یاران  
همیشگی ام

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات.....
۲	مقدمه.....
۴	زندگینامه شهریار.....
۶	آثار شهریار.....
۷	شکل گرایي.....
۸	زبان ادبی.....
۱۰	شکل اثر ادبی.....
۱۱	فصل دوم: موسیقی شعر شهریار.....
۱۲	موسیقی شعر.....
۱۳	موسیقی بیرونی شعر شهریار.....
۱۶	رابطه موسیقی و معنا در شعر شهریار.....
۲۲	موسیقی درونی.....
۲۳	تکرار.....
۲۷	جناس.....
۳۱	موازنه.....
۳۱	عکس/وارونگی.....
۳۲	قلب مطلب.....
۳۳	موسیقی کناری.....
۴۵	فصل سوم: صور خیال در شعر شهریار.....
۴۶	تشبیه.....
۴۷	تشبیه گسترده.....
۵۰	تشبیه بلیغ.....
۵۵	استعاره.....
۵۹	استعاره مکنیه.....
۶۲	تشخیص.....
۶۴	پارادوکس (متناقض نما).....

۶۶	..... حسامیزی
۶۸	..... کنایه
۷۳	..... فصل چهارم: هنجارگریزی زمانی
۷۳	..... هنجارگریزی زمانی
۷۴	..... باستان‌گرایی صرفی
۷۴	..... واژگان کهن
۷۵	..... کاربرد صیغهٔ ماضی نقلی
۷۶	..... کاربرد فعل‌های پیشوندی
۷۶	..... کاربرد فعل یارستن
۷۶	..... آوردن فعل تابع به صورت مصدر تام
۷۷	..... دانستن به معنای توانستن
۷۷	..... ساختن صفت با پسوند «آنه»
۷۸	..... ساختن صفت با پسوند «ینه»
۷۹	..... اضافه مقلوب
۷۹	..... ساخت صفت تفضیلی از اسم
۸۰	..... «آ» بیان حالت عاطفی
۸۰	..... «ان» نسبت
۸۱	..... قید حالت
۸۱	..... ساختن قید با پسوند «ستان»
۸۲	..... کاربرد قید تشبیه مانستن، گویی
۸۳	..... کاربرد حروف
۸۳	..... حروف اضافهٔ مضاعف
۸۳	..... «را» به معنای «برای»
۸۳	..... رای فک اضافه
۸۴	..... با به معنای در مقابل
۸۴	..... «ته» به معنای «نیست»
۸۴	..... کاربرد «ک» برای تقلیل و تدریج در قید
۸۵	..... «ک» تحبیب، تصغیر
۸۶	..... واژگان عامیانه
۸۷	..... کاربرد واژگان ترکی
۸۸	..... واژگان زبان‌های اروپایی
۸۹	..... الفاظ و واژگان معاصر
۹۰	..... کاربرد اصوات
۹۱	..... باستان‌گرایی نحوی
۹۱	..... جابجایی ضمیر
۹۳	..... حذف
۹۴	..... جابجایی ارکان جمله

۹۵	..... ترکیبات وصفی و اضافی
۱۰۰	..... فصل پنجم: شهریار و مکتب رمانتیسیم
۱۰۱	..... مکتب رمانتیسیم
۱۰۳	..... رمانتیسیم در ایران
۱۰۳	..... رمانتیسیم در شعر شهریار
۱۰۴	..... توجه به جوامع ساده ابتدایی و روستا
۱۰۵	..... بازگشت به دوران کودکی
۱۰۶	..... اندوه رمانتیک
۱۰۸	..... عشق ورزیدن
۱۱۰	..... ویژگی تصاویر در شعر رمانتیک
۱۱۵	..... صورخیال رمانتیسیم
۱۱۶	..... تشبیه عقلی
۱۱۸	..... پارادوکس
۱۱۸	..... حسامیزی
۱۱۸	..... تشخیص
۱۲۱	..... انعکاس حالات شاعر در طبیعت
۱۲۴	..... فصل ششم: نقد و طنز در شعر شهریار
۱۲۵	..... معنای لغوی و اصطلاحی طنز
۱۲۶	..... طنز در ادبیات ایران
۱۲۸	..... طنز و انواع ادبی
۱۲۸	..... شیوه های طنز نویسی
۱۲۹	..... طنز و نقد در شعر شهریار
۱۴۷	..... نتیجه گیری
۱۵۱	..... فهرست منابع



اثر ادبی به ویژه شعر از نظر به کارگیری زبان و روش بیان از اثر غیر ادبی متمایز می شود. ادبی کردن و هنری کردن یک اثر از طریق به کار بردن شگردها و تمهیداتی صورت می گیرد که شکل گرایان روسی آن را آشنایی زدایی می نامند. به کار بردن لوازمی مانند وزن و قافیه و آهنگین کردن سخن، مجازهای بیانی شاعرانه مانند تشبیه، استعاره، پارادوکس، کنایه و... همچنین تغییر در ساخت اجزای جمله و ساختن ترکیبات جدید شگردهایی است که زبان یک اثر را ادبی و هنری می کند.

پژوهش حاضر بررسی ساخت هنری شعر شهریار است که در آن شعر شهریار از نظر اصول زیبایی شناسی و به کارگیری موسیقی، صورخیال، نحوه اجزای جمله و واژگان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

همچنین طنزپردازی و رمانتیسیم که در شعر شاعر جایگاه خاصی دارد، از مباحث مطرح شده در این پژوهش است.

با بررسی ساخت هنری شعر شاعر مشخص شد که موسیقی، صورخیال و زبان شعری شهریار در غالب موارد بازتاب عاطفه و احساس شاعر هستند و عاطفه عنصر غالب و مسلط شعری به شمار می رود. همچنین شهریار شاعری طنزپرداز است.

واژگان کلیدی: شهریار، شعر، عاطفه، طنز، رمانتیسیم

فصل اول

کلیات

تفاوت متون ادبی بامتون دیگر در شیوه به کارگیری زبان در آن است. در متون ادبی زبان معمول و متداول با شگردها و ترفندهایی که هنرمند به کار می برد شکل دیگری به خود می گیرد و در این حالت است که در این نوع متون تنها معنای مورد نظر اهمیت ندارد بلکه شکل اثر و زبان و شیوه بیان در آن برجستگی خاصی پیدا می کند و در واقع هدف هنرمند ارائه اثری ادبی با بیانی زیبا و هنری است.

شاعران برای ادبی کردن اثر خود شیوه های گوناگونی به کار می برند، بیان سخن به شکل آهنگین و موزون، استفاده از صورخیال و بیان مفاهیم به طرق غیر مستقیم و تغییر در ساخت اجزای جمله و ساختن ترکیبات جدید و... شگردهایی است که شاعران برای ادبی کردن اثر خود به کار می گیرند. شهریار نیز یکی از همین شاعران است که برای بیان احساس و القای عاطفه خود شعر را انتخاب می کند و آن را به انواع زیبایی ها می آراید.

در رساله حاضر ساخت هنری شعر شهریار مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش موسیقی شعر شهریار، صورخیال در دیوان این شاعر، رمانتیسیم در شعر وی، نقد و طنز در شعر شاعر و همچنین باستان گرایی صرفی و نحوی در شعر شاعر مورد بررسی قرار گرفته است.

برای انجام این پژوهش ابتدا کتابهایی در مورد زیبایی شناسی و کتابهای فلسفه هنر و کتب مربوط به دیدگاه های شکل گرایان مطالعه و فیش برداری شد. پس از فیش برداری از دیوان شاعر به صورت استخراج اوزان و بحرهای عروضی، بررسی صورخیال، رمانتیسیم در شعر شاعر، همچنین تحلیل اشعار از نظر نقد و طنز انجام و مطالب آن جمع آوری شد و در مرحله بعد مطالب جمع آوری شده، تدوین و نگارش گردید.

اقداماتی که در مورد این شاعر صورت گرفته است در غالب موارد شامل زندگی نامه و خاطرات وی می باشد، البته پژوهش هایی نیز در مورد شعر شاعر انجام شده است از جمله «کارکردهای هنری و زبانی غزلیات شهریار از آقای بشیر کلاشمی نیکدل».

تفاوت و در واقع نوآوری پژوهش حاضر با آثار قبل در این است که علاوه بر بررسی سراسر دیوان شاعر نکات و ویژگی های برجسته دیگر از دیوان شاعر نیز مورد بحث قرار گرفته است. از جمله این که با بررسی طنز و نقد در شعر شاعر، شهریار به عنوان شاعری طنز پرداز معرفی می شود، همچنین بررسی کامل ویژگی های رمانتیسیم در اشعار شاعر و ارائه نمونه هایی از آن نوآوری دیگر کار می باشد.

پژوهش حاضر علاوه بر اینکه در بخش موسیقی، صورخیال و زبان به ادب دوستان و به ویژه دانشجویان زبان و ادبیات فارسی کمک می کند برای کسانی که می خواهند در زمینه طنز و نقد تحقیق و بررسی کنند، همچنین افرادی که تمایل دارند با مکتب رمانتیسیم و ویژگی های اشعار رمانتیک آشنا شوند و به تحقیق در این زمینه بپردازند نیز راهنمایی های مفیدی ارائه می دهد.

## زندگینامه شهریار

سید محمد حسین بهجت تبریزی که بعدها با عنوان شهریار شهرت پیدا می کند در سال ۱۲۸۵ شمسی در خشکتاب تبریز دیده به جهان گشود. او فرزند مردی فاضل و ادیب به نام حاج میرآقا از وکلای معروف زمان خود بود که در هنر خوشنویسی نیز سرآمد بوده است.

سه سال از کودکی شهریار در حوادث انقلاب آذربایجان در روستای شنگول آباد و قیش قرشاق و خشکتاب می گذرد، وی مقدمات را با خواندن گلستان و نصاب الصبیا نزد پدر ادیب خود فرا می گیرد و در همین دوران که کودکی بیش نیست به خواندن دیوان حافظ و انس گرفتن با آن روی می آورد.

دوران ابتدایی و متوسطه را در مدارس متحده و فیوضات تبریز به پایان می برد، ادبیات عرب را در مدرسه طالبیه و فرانسه را نزد استادان سرآمد یاد می گیرد و در سال ۱۲۹۹ به تهران آمده و در مدرسه دارالفنون به تحصیل می پردازد.

آشنایی با دیوان حافظ باعث می شود که از همان دوران نوجوانی استعداد سرودن شعر در طبع وی شکوفا شود و سرودن شعر را با تخلص بهجت آغاز کند. وی که پیوسته خود را پیرو حافظ می داند با فال گرفتن از دیوان حافظ تخلص خود را از بهجت به شهریار تغییر می دهد، تحصیل در دارالفنون را به پایان می رساند و وارد مدرسه عالی طب شده و به تحصیل در رشته پزشکی می پردازد.

زندگی شهریار در این زمان وارد مرحله دیگری می شود، شاعر دل به عشق دختری می سپارد و در تب و تاب آن به سر می برد.

«شهریار پس از اتمام تحصیل در دارالفنون در سال ۱۳۰۳ وارد مدرسه عالی طب شد. این ایام مصادف بود با آغاز عشق و شیفتگی شهریار هفت سال بعد در حالی که بیش از سه ماه به پایان امتحان دکتری طب باقی نمانده بود، به دلیل ناکامی در عشق و بحران شدید روحی ترک تحصیل کرد.» (علیمحمدی، ۱۳: ۱۳۸۱)

زاهدی که از دوستان نزدیک شاعر و یکی از کسانی است که نقش عمده ای در حفظ و جمع آوری سروده های شاعر داشته است در مورد این بخش از زندگی شاعر می گوید: «شهریار یک عشق اولی آتشین دارد که خود آن را عشق مجاز نامیده. در این دوره است که شهریار گداخته و تصفیه می شود. این عشق مجاز است که در قصیده «زفاف شاعر» با یک قوس صعودی اوج گرفته، به عشق عرفانی و الهی تبدیل می شود. ولی به قول خودش مدتی این عشق مجاز به حال سكرات بوده.» (شهریار، ۱۳۸۶: ۱۳)

غزل هایی مانند ماه سفر کرده، توشه سفر، پروانه در آتش، غوغای غروب، یار قدیم، خیمار شیباب، نامه ناکامی، شاهد پنداری، شکرین پسته خاموش، تو بمان و دگران و ... از جمله غزل هایی هستند که عشق آتشین شاعر را به تصویر می کشند.

از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران	رفتم از کوی تو لیکن عقب سر نگران
ما گذشتم و گذشت آنچه تو با ما کردی	تو بمان و دگران وای به حال دگران
رفته چون مه به محاقم که نشانم ندهند	هرچه آفاق بجویند کران تا به کران
می روم تا که به صاحب نظری باز رسم	محرم ما نبود دیده کوتاه نظران
دل چون آینه اهل صفا می شکنند	که ز خود بی خبرند این ز خدا بی خبران
گل این باغ به جز حسرت و داغم نفزود	لاله رویا، تو ببخشای به خونین جگران

(شهریار، ۱۳۸۶: ۳۳۷)

پس از شکست در عشق و انصراف از ادامه تحصیل، زندگی شاعر وارد مرحله دیگری می شود و فراز و نشیب گوناگونی را پشت سر می گذارد. ابتدا در سال ۱۳۱۰ به استخدام اداره ثبت املاک در می آید و بعد از آن به مشهد و نیشابور منتقل می شود. در همین ایام با کمال الملک نقاش معروف که او نیز دچار رنج تبعید و غربت است ملاقات می کند و مثنوی «زیارت کمال الملک» به همین مناسبت سروده می شود.

در مشهد نیز شاعر به محافل ادبی رفت و آمد می کند و با ادیبانی مانند محمود فرخ، گلشن آزادی، میرزا رضا خان عقیلی و ... آشنا می شود و در انجمن ادبی شاهپور نیز شرکت می کند.

شاعر که مدتی از غم عشق فراغت حاصل کرده است، بعد از گذشت سه سال دچار رنج روحی دیگری می شود، در سال ۱۳۱۳ پدر و تکیه گاه خود را از دست می دهد و سرپرستی خانواده خود و برادرش را بر عهده می گیرد.

در پی این حوادث بار دیگر به تهران باز می گردد و به ناچار به خدمت دولتی (شهرداری و بانک کشاورزی) مشغول می شود، کاری که پیوسته به آن اعتراض دارد و از آن شکایت می کند.

چه کنم شاعر آفریدستم	کار دیگر نیاید از دستم
کار غیر هنر نه کار من است	هر کسی مرد کار خویشان است

(شهریار، ۱۳۸۶: ۶۶۶)

و در جای دیگر خود را شیر پیشه هنر می داند.

مِن هنر پیشه ام چه کار کنم	شیر این پیشه ام چه کار کنم
خدمت من اداره رفتن نیست	مهملی گفتن و شنفتن نیست
من به کار حساب مرد، نیم	بلکه با این حساب مردنیم

(شهریار، ۱۳۸۶: ۶۶۷)

شهریار در سال ۱۳۳۱ به تصویب نخست وزیر وقت از خدمت دولت معاف می گردد و بار دیگر گرفتار آندوه از دست دادن مادرش می شود. به ناچار به تبریز باز می گردد و پس از آن در ۴۸ سالگی با یکی از خویشاوندان خود ازدواج می کند و صاحب سه فرزند می شود.

در سال ۱۳۳۵ به علت تنگی معیشت دوباره به کار در بانک کشاورزی مشغول می شود و در سال ۱۳۴۴ بازنشسته می گردد و روز ۲۲ بهمن ۱۳۴۶ در مقام تجلیل از شاعر، او را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن می نامند و عنوان استادی افتخاری دانشکده ادبیات تبریز به وی اعطا می شود و روز ۲۶ اسفند در تاریخ فرهنگ آذربایجان «روز شهریار» نامیده می شود.

سرانجام شاعر در سال ۱۳۵۱ مجدداً ساکن تهران می شود اما این بار نیز تقدیر رنج دیگری برای او به ارمغان می آورد، همسرش را از دست می دهد و پس از گذشت چهار سال و برای همیشه به زادگاه خود باز می گردد و سرانجام در مهرماه سال ۱۳۶۷ دارفانی را وداع می گوید.

«شهریار به موسیقی علاقمند بود و خود سه تار می نواخت. در اوقات فراغت غالباً خط می نوشت. قرآنی را

نیز به خط خود به یادگار گذاشته است. به قرآن و دیوان حافظ عشق می ورزید.» (علیمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۷)

### آثار شهریار

آثار بر جای مانده از این شاعر شامل دو جلد دیوان اومی باشد که در قالب های گوناگون غزل، قصیده رباعی، دوبیتی، قطعه، مثنوی، چهار پاره، مسمط، طبع آزمایی کرده است. برجسته ترین و زیبا ترین اشعار شاعر در غزلیات و بخشی از اشعار مکتب شهریار نشان داده می شود، آثار ترکی شهریار شامل منظومه «حیدر بابایه سلام» می باشد.

«درحیات شعری شهریار سه دوره مشخص یا مشخص تر است: ۱. دوره جوانی او که با عشق (عشق ملموس انسانی) درگیر است. در این دوره شهریار غزل های پرشور عاشقانه می سراید. ۲. دوره ای که از آشنایش با افسانه نیما، آغاز می شود و به ارتباط عمیق تر با شعر نیمایی منجر می شود. ۳. دوره آخر که به سالهای پختگی و پیری شاعر مربوط می شود در این دوره گرایش به نوعی عرفان در شعر شهریار آشکار است در این دوره شهریار بسیاری از غزلهای غیر عاشقانه خود را می سراید.» (منزوی، ۱۳۷۲: ۱۹)

قوی ترین عاطفه در شعر شهریار عشق است که می توان گفت به سه شکل تصویر می شود عشق فردی و مجازی که حاصل تجربه شاعر است و بسیاری از غزلیات شاعر مراحل مختلف این عشق را از دیدارها تا هجران و فراق و در نهایت شکست وی را نشان می دهد. عشق به مرثم و اجتماع و عشق الهی و عرفانی و اعتقادات دینی که در قالب سرودن اشعاری با مضامین دینی و عرفانی ترسیم می شود.

در بخش مکتب شهریار اشعاری به سبک آثار نیمایوشیج مانند افسانه سروده شده است و در واقع اشعار رمانتیکی شهریار در این قسمت است که مهمترین آن ها شامل منظومه هایی با عنوان «دو مرغ بهشتی»، «هدیان دل» و «مثنوی «افسانه شب» می باشد.

«دو مرغ بهشتی» ستایش شهریار از نیما و شرح دیدار دو شاعر است منظومه ای است با قالب نامشخص که هربند آن دارای هفت مصرع است و مصرع های دوم، چهارم و ششم مقفا هستند و مصرع دیگر آزاد است.

### شکل گرایی (formalist)

«شکل گرایی مکتبی است در نقد که در فاصله سال های ۱۹۱۵-۱۹۱۷ در روسیه به وجود آمد. بنیانگذاران آن اعضای دو انجمن مطالعات زبان شناسی در مسکو و پتروگراد بودند که با یکدیگر همکاری نزدیک داشتند. هدف پایه گذاران این مکتب یافتن پایه های علمی برای نقد ادبی بود. آن ها دیدگاههای تاریخی، سیاسی، جامعه شناسی یا روان شناسی را در نقد رد می کردند.» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۳)

از جمله برجسته ترین چهره های این مکتب زبان شناسان و ادیبانی مانند بوریس آخن باوم، شکلوفسکی، یاکوبسن، توماشفسکی و تینیانوف بودند.

«صورتگرایی از بطن نمادگرایی پدید آمده بود و به مخالفت با آرای نماد گرایانی برخاسته بود که به جنبه های زیبایی شناختی متون ادبی می پرداختند و از احساس خود برای تعیین خوب و بد استفاده می کردند و



همین ها بودند که این دسته از متخصصان و پیروان پژوهش های ادبی را صورتگرا می نامیدند تا به طعنه نشان دهند که آن ها درکی از محتوا ندارند و تنها به ظواهر می پردازند.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۵۳)

«فرمالیست های روسی موضوع اصلی و مرکز کار خود را متن یا به عبارت بهتر آنچه در متن بازتاب یافته شناختند و هر گونه چشم اندازی که خارج از متن مطرح شود در مرتبه دوم اهمیت قرار دادند. تأکید آنان بر گوهر اصلی و ادبی متن بود یعنی خود متن را در نظر می گرفتند و می کوشیدند تا اجزاء سازنده دلالت معنایی متن را از شکل و شالوده آن استنتاج کنند و به هدف شناخت آنچه در اثر بازتاب یافته است دست یابند. برای این کار به استقلال پژوهش ادبی تأکید می کردند یعنی صرفاً برای آن نتایج نظری و ادبی اعتبار قائل می شدند که از بررسی خود اثر به دست آمده باشد و نه از بررسی زئینه های تاریخی پیدایش اثر یا شناخت شخصیت و منش روانی مؤلف» (احمدی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۳)

درواقع نظریات شکل گرایان از عقاید سوسور زبان شناس معروف نشأت می گرفت از نظر سوسور زبان نظامی از نشانه ها می باشد که باید به روش همزمانی یعنی در مقطع معینی از زمان مورد بررسی قرار بگیرد و نه در جریان تحول تاریخی آن، بنابراین صورت گرایان نیز هر نوع دیدگاه تاریخی، سیاسی و... را در نقد رد می کردند.

## زبان ادبی

از نظر شکل گرایان مهمترین عنصر در اثر ادبی، زبان و ساختار آن است. اثر ادبی نوشته ای است که در آن زبان متداول با شگردها و تمهیداتی که نویسنده یا شاعر به کار می برد از شکل معمولی خود خارج شده و زبانی تازه و ناآشنا به وجود می آید و در واقع از زبان معمول آشنایی زدایی می شود.

وجه عمده زبان ادبی آن است که در این زبان واژه ها مستقیماً به مصداق های خود دلالت نمی کنند، در زبان عادی و متعارف کاربرد هر واژه به مصداق صریح و خاصی دلالت می کند اما در زبان ادبی، مصداق های صریح و روشنی برای واژه ها وجود ندارد. یاکوبسن در این مورد می گوید: «در شعر رابطه معمول میان نشانه و مصداق در هم می ریزد و این امکان پدید می آید که نشانه به عنوان موضوعی که فی نفسه دارای ارزش است استقلال معینی پیدا کند. نقش شاعرانه زبان زمانی مسلط می شود که در ارتباط خود کلمات در کانون توجه قرار گیرند.» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۵)

صورتگرایان معتقد بودند که راه یافتن به دنیای شعر و شکل گیری آن از طریق زبان شاعرانه یا شکل نامتعارف کاربرد زبان است. از نظر آنان بدون سرپیچی از قاعده های زبانی شعر وجود نخواهد داشت و هدف

شعر جلب توجه خواننده یا شنونده به گوهر زبان است و انتقال معنا اهمیتی ندارد. واژه ها در شعر معنی یا معانی زبانی خود را از دست می دهند و می توانند به معنی یا معانی دیگری دلالت کنند.

«اعتقاد به نقش ادبی زبان ریشه در آرای اشکولفسکی و موکارفسکی و هاورانک دارد و اینان دو فرآیند خودکاری و برجسته سازی را از یکدیگر باز شناختند. فرآیند برجسته سازی، فرآیندی به حساب می آید که زبان خودکار را به زبان ادب مبدل می کرد. مدلولی که مصداق خارجی نداشته باشد یا قرار نباشد مصداق خارجی داشته باشد ویژه زبان ادب است و با فاصله گرفتن مدلول از مصداق، نقش ادبی زبان متبلور خواهد گردید.» (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۶)

«از نظر موکارفسکی، زبان شناس چک ادبیت اثر ادبی، حاصل کوششی است که نویسنده به قصد پیش نماسازی (foregrounding) یعنی برجسته کردن مفهوم و مطلبی به منظور درک و دریافت بهتر به کار می برد. ویکتور شکولوفسکی منتقد روسی پیش نماسازی را غریبه کردن یا به عبارت دیگر، آشنایی زدایی از طریق بر هم زدن روش های معمول زبان می داند. به عقیده او ادبیات، دنیای ادراک روزمره را ناآشنا می کند تا ذوق معتاد خواننده را برای درک شور و احساس تازه برانگیزد. به این معنی که نویسنده یا شاعر، مفاهیم آشنا را که بر اثر تکرار و عادت، جلوه و تأثیر خود را از دست داده اند از راه های مختلف ناآشنا می کند و بدین ترتیب است که ادبیات وظیفه خود را که بازسازی و بازشناساندن زیبایی های پنهان در این نوع مفاهیم است، انجام می دهد.» (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۱)

شکل گرایان برای ایجاد زبان ادبی و آشنایی زدایی شگردهایی را در نظر می گرفتند که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

«۱-نظم و همنشینی واژگان در شعر که بنیان آن آهنگ و موسیقی واج هاست به هر واژه اهمیت و تشخیص می بخشد. شگردهای زبان شاعرانه (کاربرد وزن، قافیه، تعدد قافیه، ردیف، دقت به موسیقی آوایی) سرانجام واژه یا واژگانی را در شعر برجسته می کنند و آن را از بار معنایی و کاربرد هر روزه اش جدا می سازند، تا چیزی بیگانه، تازه وارد دارای تجلی شود و این آشنایی زدایی است. ۲-مجازهای بیان شاعرانه (استعاره و انواع مجاز، کنایه، تشبیه و آنچه به فارسی حسامیزی خوانده اند). ۳-ابجاز و خلاصه گویی ۴-کاربرد واژگان کهن ۵-کاربرد ویژه ساختار نحوی ناآشنا یا کهن ۶-کابرد صفت به جای موصوف ۷-ترکیب های معنایی جدید ۸-بیان استوار به ناسازه های منطقی ۹-خوآوری واژگانی، ساختن واژگان ترکیبی جدید.» (احمدی، ۱۳۷۵: ۶۰)

در نتیجه کاربرد این شگردها زبان متعارف از شکل معمول خود خارج شده و به زبان ادب یا شعر تبدیل می-شود و در واقع هنر شعر به وجود می آید همان طور که علوی مقدم نیز در رابطه با همین مطلب شعر را هنری زبانی می نامد: «در بافت زبان ادبی ساختارهای غیر متعارف وجود دارد و در آن هنجارهای عادی زبان رعایت نمی شود در واقع زبان ادبی و شاعرانه معانی خاص را در هم می نوردد و از مستقیم گویی می گریزد و این رو شعر هنری زبانی است که شیوه بیان در آن اهمیت اساسی دارد، شعر در صورتی به مرحله کمال خود می رسد که هنرمندانه تر از زبان عادی به عناصر درونی زبان نزدیک شود و هنرمندانه تر از قواعد حاکم بر زبان خودکار بگریزد (علوی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۰۰)

### شکل اثر ادبی

یکی دیگر از مسائل مهم مورد بحث در این مکتب فرم یا شکل اثر هنری است. از نظر صورتگرایان، شکل اثر ادبی وسیله ای برای بیان محتوا نیست بلکه محتوای اثر ادبی عامل ایجاد شکل آن است. میرصادقی در مورد اهمیت شکل در این مکتب می گوید: «از نظر شکل گرایان محتوا یکی از عناصر تعیین کننده شکل است و تنها از این جهت مورد بررسی قرار می گیرد. بدین ترتیب هر یک از عناصر اثر ادبی می تواند شکل محسوب شود با این شرط که نقشی در نظام اثر داشته باشد. سبک و ویژگی های فنی اثر هنری مهم است و این دو نه به عنوان شیوه بیان بلکه به عنوان هدف اثر هنری مطرح می شود از این جهت چگونگی بیان اثر هنری بیش از آنچه اثر بیان می کند ارزش می یابد.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۴)

آثار هنری اغلب پیچیده و مبهم هستند و بررسی ساخت هنری آن ها می تواند مقوله معنی و فرم را در آنها مورد بحث قرار دهد و در شناخت بهتر رو ساخت و زیر ساخت اثر به خوانندگان و علاقمندان کمک کند. در این پژوهش به بررسی مقولات مختلف ساختی در دیوان شهریار پرداخته شده است و مهمترین ویژگی های ساختی دیوان شهریار از جمله موسیقی، صورخیال و ویژگی های زبانی شعر شاعر مورد بررسی قرار گرفته است.

## فصل دوم

# موسیقی شعر شهریار